

اینروزها بازار "توجه" جنبش سبز بویژه از جانب دلسوزان این جنبش در طیف اکثریت و توده و صفی از روشنفکران "دگراندیش" و "خشونت گریز" و "حقوق بشری"، به طبقه کارگر و "عدالت" برای کارگران، در همه جا گرم است.

بخشی از این آقا و خانمهای محترم که "دل و جرات" بیشتری دارند و در تمرین دموکراسی و حقوق بشر از بقیه یاران خود پیشی گرفته اند، هر از چند گاهی به عنوان منتقد جنبش سبز ظاهر میشوند و از کم لطفی این جنبش و رهبران آن به جنبش کارگری گلایه میکنند. این طیف خواهان طرح مطالباتی برای کارگران از زبان رهبران سبز جهت کسب حمایت طبقه کارگر هستند. هر کلمه و اسمی که از کارگر و "عدالت" از زبان رهبران مرتجع سبز به زبان آید، گل سر سبد مقالات و سایت و میدیای این طیف به عنوان مدرک حقیقت و مردمی بودن جنبش سبز میشود. سایت اخبار روز اکثریت، در این زمینه انصافاً میدان را از بی بی سی و بقیه میدیای مرتجع ربوده است.

آنچه زمانی دول غربی به کمک بی بی سی و سی ان ان و بقیه رسانه های خود برای تبدیل خمینی به رهبر مردم و مدرن نشان دادن او کردند، امروز همین میدیا و بخش

## مانورهای جمهوری اسلامی و

### غرب و نقش مردم



بخشهایی از مصاحبه رحمان حسین زاده با رادیو پرتو

رادیو پرتو: در طول خبرهای اخیر مسئله شروع به کار تاسیسات اتمی بوشهر در راس خبرها قرار گرفت و هم زمان با آن سپاه پاسداران جمهوری اسلامی ایجاد و ساخت موشکهای دوربرد تازه تری را به عنوان سلاحهای پیشرفته نظامی مورد

## کارگران جهان متحد شوید!

یکی کشمکشهایی است که اینها با غرب و آمریکا دارند و میخاهند به هر حال خودی نشان دهند و بگویند که امکانات داریم، اهرم فشار داریم، بوشهر را راه اندازی میکنیم. موشک را می توانیم بسازیم. طبعاً در چارچوب کشمکش اینها و غرب معنی دارد. در این چارچوب بیشتر یک اهرم و یک ابزار دفاعی است. غرب و آمریکا و خود جمهوری اسلامی این را میدانند. به نظرم این ابزارها در این کشمکش جای خیلی تعیین کننده ندارند، بیشتر پز تبلیغاتی، پز تبلیغات جنگی است که درست می کنند. یک

گرفته و در سال ۱۳۵۳ اصلاحاتی بر آن صورت گرفت که تا سال ۱۳۵۷ قدرت اجرایی داشت. در طی دو دهه از پیدایش این لایحه روحانیون از جمله مخالفین سرسخت آن بوده اند. استدلال میکردند که این لایحه حرام است و به رواج فساد در جامعه و فروپاشی کتون خانواده منجر میگردد. با روی کار آمدن جمهوری اسلامی بلافاصله این لایحه ملغی و یک لایحه قدیمی از سال ۱۳۱۴ که حق چند همسری و یا طلاق بطور یک طرفه را به مردان میداد جایگزین گردید.

این لایحه سه سال است که در دالانهای مجلس مورد بحث و بررسی

ایران کارگران و کارکنان چقدر دستمزد دارند و هزینه زندگی در هر کدام از این کشورها چه اندازه است ثلثی میشود! اینکه در بسیاری کشورها و بیش از ۵۰ سال است بیمه تامین اجتماعی وجود دارد و بیمه بیکاری برای همه بیکاران زن و مرد بدست آمده است ثلثی است!

اینکه چرا از این جمعیت بیکار فقط این تعداد بیمه دریافت میکنند به شرایط دریافت بیمه بیکاری مربوط است این تعداد هم باید از هفت خان اداری گذشته باشند تا به این "جلیگاه مهم" رسیده باشند!

یک نمازخانه نیز نداشته باشد که بتوان نماز جماعت را اقامه کرد و ... اگر دانشگاهی وجود داشته باشد که نه تنها در تمام ماه محرم و صفر بلکه در تمام طول سال کوچکترین مراسم مذهبی نیز در آن برگزار نشود و به جایش در چهارشنبه آخر سال گفته شود که اشکال ندارد برقصید و پایکوبی کنید ... اگر دانشگاهی وجود داشته باشد که در یک اردوی دانشجویی ماشین را نگه می دارند و به دانشجویان می گویند "حالا می توانید بروید پایین و شروع کنید" و سپس آهنگ میندل می گذارند و مراسم آنچنانی برگزار می کنند، در یک کلام می گویم خوب است چنین دانشگاهی اصلاً وجود نداشته باشد چون اگر این دانشگاه وجود داشته باشد مردم ایران، دانشجویان،

تاکید قرار داد. هر دوی اینها به عنوان قدر قدرتی جمهوری اسلامی در مقابل غرب و محکم شدن پای جمهوری اسلامی در معادلات منطقه ای و همچنین قدری بر روی مردم عنوان شدند. شما شروع بکار تاسیسات اتمی بوشهر و پیشرفتهای نظامی جمهوری اسلامی را از زاویه ای که اینها مطرح می کنند چه طوری می بینید؟

رحمان حسین زاده: در رابطه با کل این ماجرا از جریان بوشهر تا مسئله موشک و غیره باید دوفاکتور را در نظر گرفت.

صیغه (در صورتی که زن باردار باشد)، تسهیل چند همسری برای مردان و بالاخره بستن مالیات بر مهریه (مهریه های متعارف و غیر متعارف) میشانند. ماده بحث برانگیز اساساً بر سر چند همسری برای مردان است که با ده شرط بر طبق قانون، چنانچه همسر یا همسران به نیازهای آنها جوابگو نباشند میتوانند تا پنج زن دیگر اختیار کنند.

پیش نویس طرح اولیه لایحه خانواده به سال ۱۳۳۶ برمیگردد که یک سازمان غیردولتی به نام «جمعیت راه نو» آن را به مجلس ارائه داد. با ده سال تاخیر بالاخره این لایحه در سال ۱۳۴۶ تصویب

دسترس حدود ۱۵۰ هزار نفر (۱۴۳۲۷۳ نفر). و بلافاصله مقاماتی که این را هم جرات میکنند اعلام کنند میگویند که "ماتدگاری دوره بیمه بیکاری در ایران طولانی تر از سایر کشورهاست" مخاطب اینها باید بلافاصله فاجعه اولی یعنی حدود ۱۵۰ هزار نفر از مثلاً ۴ میلیون بیکار بیمه بیکاری دریافت میکنند، را فراموش کند و به این دلخوش کند که در این مملکت ما، دوره بیمه بیکاری طولانی تر است. چند روز قبل هم وزیر نفت اعلام کرد که در "ایران قیمت بنزین پایین تر از کشورهای دیگر است". این مساله که در

به گوشه ای از سخنان او توجه کنید که در روز سه شنبه ۹ شهریور (۳۱ اوت) اظهار داشت که اصل کار دانشگاه ها تربیت افرادی است که قرار است در آینده اختیار مسائل اجرایی، قنون گذاری و قضایوت در "نظام" را بر عهده بگیرند. مردم نشان داده اند که می خواهند فرزندان شان "دوستدار اهل بیت و عاشق امام حسین" باشند و افزود که با الگو برداری از غرب در دانشگاه ها چنین چیزی امکان ندارد. او چندی پیش گفته بود " اگر دانشگاهی وجود داشته باشد که در آن متدینین، فرهنگ انتظار و فرهنگ بسیج مورد تمسخر قرار گیرد، صدای آنان ظهر در آن بلند نشود به بهانه اینکه به کلاسهای درس آسیبی نرسند، روحانی نتواند در آن وارد شود، نه تنها مسجد بلکه



هاله طاهری

## لایحه "حمایت" از

### خانواده در ضدیت با زنان!

یکی از مباحث جنجال برانگیز در دو هفته اخیر سه ماده از لایحه "حمایت" از خانواده است که برای چندمین بار میان مجلس و کمیسیون قضایی دست به دست شده و هنوز به تصویب نرسیده است. ماده ۲۲، ۲۳ و ۲۴ از این لایحه بترتیب در مورد لزوم ثبت ازدواج موقت یا همان



## اسد گلجینی

### صدقه نه، بیمه بیکاری

آمار بیکاری در ایران را بیش از ۴ میلیون نفر اعلام کرده اند. به این باید تعداد افراد وابسته به مرد و یا زن بیکار در خانواده را هم افزود که رقمی حدود ۲۰ میلیون نفر را شامل میشود. آیا کارگران میدانند که چند درصد از این تعداد بیمه بیکاری در ایام بیکاری دریافت میکنند؟ طبق آخرین آمار دولتی و قابل



## سعید آرمان

### کامران دانشجو و

### طرهای ضد علمی او!

اخیراً در ادامه تعرضات پی در پی وزیر علوم، تحقیقات و فناوری ایران به دانشگاه ها در چند سال اخیر از تلاش برای لغو دروس علوم انسانی تا اخراج و تحمیل بازنشستگی زودرس به اساتید دانشگاه ها و ممیزی کردنشان تا سرکوب و دستگیری فعالین دانشجویی و تبدیل دانشگاه به پادگان و قبرستان شهدا، اینبار پا را فراتر گذاشته و قصد تبدیل کردن دانشگاه ها به "حوزه های جهلیه" را دارد.

# آزادی، برابری، حکومت کارگری!

جنبش سبز و سهم ...

تژاد در عدم رعایت قوانین جمهوری

اسلامی در حق اسالو و بقیه فعالین کارگری را مورد انتقاد قرار میدهد. اینها را با دومن سریش هم نمیشود به عدالتخواهی طبقه کارگر چسباند. اعتراض مردم به زندانی بودن بیش از ۲۰۰ هزار نفر در زندانهای ایران به اعتراض به دستگیریهای بعد از انتخابات، یعنی آزادی خودیها و یاران جنبش سبز، نهایت آزادیخواهی این جنبش را نشان میدهد.

کجای این خواست را میتوان با ممنوعیت زندان به جرم عقیده و مرام و مخالفت سیاسی مقایسه کرد؟ آیا تا کنون کسی از این مصلحین جعلی حق زن پرسیده است که، آیا زنان بعد از ۷ هزار سال تمدن در جنبش سبز حق انتخاب پوشش خود را دارند؟

اختلاف جنبش سبز با جناح احمدی تژاد هرچه باشد بر سر آزادی مردم بی دین و اتئیست خدا ناپرست و کمونیست، یا آزادی زن و آزادی زندانی سیاسی و مجازات قتلین چند صد هزار نفر در این سالها نیست. اختلاف بر سر طب رایگان و بیمه بیکاری مکفی و حق تشکل و اعتصاب نیست. اختلاف بر سر قدرت و چگونگی تحمیل یک نظام ضدکارگری و تامین سود و تقسیم "عدالت" آن میان بخشهای مختلف بورژوازی به صورتی است که طبقه کارگر و زنان و جوانان متمدن صدایشان در نیاید است. سبز فاقد پلانفرمی نیم بند برای کمترین تحول سیاسی و اقتصادی به نفع طبقه کارگر ایران و مردم محروم است.

اینکه دیدار کروی با خانواده اسالو، یا اسم بردن از عدالت بدون گفتن کلمه ای از ابتدائی ترین مطالبات طبقه کارگر، قدر را در دهان طیف روشنفکران بورژوا و شوق زده آب میکند، بیش از هر چیز بیگانهگی این طیف را با ابتدائی ترین حقوق طبقه کارگر و مردم محروم بیان میکند. رفتن کروی و دیدار با خانواده اسالو، تلاش برای تماس با کارگران نیشکر هفت تپه و صحبت از اهمیت جلب توجه طبقه کارگر از جانب رهبران سبز، و همزمان تلاش و مستضعف پناهی جناح رقیب برای جلب توجه این طبقه، نشانه وزن و اعتبار و اهمیت طبقه کارگر در این جامعه است. این جایگاه مهم طبقه کارگر و اهمیت وزن و توان آن است که رهبران بورژوازی را مجبور به این ادای "احترام"های پر از ریاکاری و حقه بازی کرده است.

در میان همه مداحان جنبش سبز کسی یافت میشود بگوید مضمون دفاع این جنبش از طبقه کارگر چیست؟ موسوی "عدالت" برای طبقه کارگر را توسعه کشور بیان میکند، و کارگر را نیروی تولید ثروت و خدمت به مملکت میدانند، و کروی اضافه رویهای جناح احمدی

صدقه نه، بیمه ...

را طلب میکنند و بیمه بیکاری از جمله آنهاست.

طبق قانون بیمه بیکاری، برای مجرد هلی که سابقه پرداخت حداقل ۶ ماه بیمه را دارند از ۶ ماه تا ۳ سال بیمه بیکاری دریافت میکنند و برای افراد متاهل از ۱۲ ماه تا ۴ سال و دو ماه میزان دریافتی هم برابر با میزان دریافتی ۳ ماه آخر کار است.

کارگران معمولاً باید ۶ ماه بیمه پرداخت کرده باشند تا شامل بیمه بیکاری شوند. باید پرسید در کشوری که ۸۰ درصد کارگران با قراردادهای سفید امضا استخدام میشوند و قانون کار دست کارفرما را باز گذاشته است که هر گاه و به هر دلیلی که خواست او را اخراج کند، چند نفر میتوانند ۶ ماه را ثابت در جایی باشند. درصد بسیار کمی از کارگران این شانس را دارند و اینها اساساً در بزرگترین مراکز صنعتی هستند و یا در مراکزی که تغییر بافت آن طبق سیاست های کلان دیرتر عوض میشود. از سال ۸۸ هم بحث در باره این شروع شده است که کارگران قراردادی هم مشمول بیمه بیکاری شوند!

یک مساله برای کارگران باید روشن باشد آنهم این است که در برابر چنین وضعیتی باید خواست بیمه بیکاری مکفی که بتواند به یک خانواده ۴ تا ۵ نفره و هزینه زندگی امروزش برسد مطرح کرد. این خواست خوشبختانه منتهاست بخشی از مطالبات کارگران آگاه و برخی تشکل هایشان است. راه حل همین است و مربوط به همین امروز است. یا کار یا بیمه بیکاری و مهتمتر اینکه دولت با سیاست فریب و صدقه ای به ساکت کردن اعتراض طبقه کارگر و مردم محروم به این شرایط روی آورده است و ما باید خواست برحق و واقعی را طرح کنیم.

احمدی تژاد و وزرایش در پیشبرد سیاست صدقه ای خیره هستند. با تبلیغات آخوندی و بون اینکه خم به ابرو بیورند دروغ میگویند و عوامفریبی و زندان و چماقهایشان را دارند. کارگران آگاه و مبارز که این سیاست های سرکوبگرانه و فریبده را افشا میکنند و از منفعت کارگران در برابر سرمایه داران دفاع میکنند جایشان در زندان است و از کار اخراج میشوند. نمونه ها بسیاری از جمله اینها زندانی کردن رضا شهبانی و منصور اسالو و ابراهیم مددی و دیگران پاسخ اینها به خواست کارگران است. سیاست صدقه ای همچون سهم عدالت را در این سالها با کمک خانه کارگر و شوراهای اسلامی اجرا کرده اند در حالی که کارگران حقوق ابتدایی خود

longere4.he.kmatist@gmail.com

### قابل توجه شرکت کنندگان در

#### کنگره چهارم

آخرین مهلت برای ثبت نام جهت شرکت در کنگره چهارم حزب حکمیتست روز یکشنبه ۵ سپتامبر است. در حال حاضر فقط تعداد معدودی محل برای خواب در خوابگاه آزاد است. لذا با کمال تأسف از پذیرش دوسناتی که بعد از تاریخ ۵ سپتامبر ثبت نام و فرم را ارسال کنند معذوریم.

جهت ثبت نام فرم ب بطور کامل پر کرده و به آدرس زیر ارسال کنید.

# زنده باد جمهوری سوسیالیستی

## مانورهای جمهوری اسلامی و ...

جنبه مهمتر این کارها و این اقدامات رو به مردم، رو به جامعه و مرعوب کردن آن است. میخوانند خودشان را به عنوان یک نظام قدر قدرت نشان بدهند. بگویند که هستیم، قدرتمند هستیم، امکانات داریم. واضح است که در سی و یک سال حاکمیت جمهوری اسلامی این امکانات در ضمیمه با منفعت مردم بوده است. مردم میدانند به هر درجه ای که جمهوری اسلامی خودش را تقویت میکند، یا کاری از خود نشان میدهد و ظاهرا میخ خودش را میکوبد، یعنی دارد حاکمیتش را بر کرده مردم محکمتر می کند. در نتیجه بخشی از این ماجرا و این فضای جنگی رو به خود جامعه ایران است. رو به خود مردم است که می خواهند بگویند که ما با این امکانات هستیم و دست از پا خطا نکنید.

**راديو پرتو :** شما به نکته مهمی اشاره می کنید، تاسیسات اتمی بوشهر افتتاح شد، تبلیغات رو به درون جامعه همین بود که ما پیشرفتهای تکنیکی کردیم و ... همزمان روسیه و آنهایی که مسئله بخشهای فنی تر این مسئله را مورد بررسی قرار میدادند تصویر مایلتر میدادند که سوخت اتمی از طرف روسیه صادر شده و آنها نظارت خواهند داشت. مهم تر اینکه پیامهای نیلیماتیک که از طرف ایران رو به غرب و آمریکا فرستاده می شد، حکایت از این داشت که جمهوری اسلامی صلح طلب تر شده و حاضرند برای مذاکره بیشتر در کنار هم قرار بگیرند. شما فکر میکنید چه تعادلی را میتوانند برقرار بکنند و تا آنجا که به غرب مربوط میشود، جمهوری اسلامی چی را تعقیب میکند؟

**رحمان حسین زاده:** کشمکنی که به بهانه هسته ای اوج گرفت و یک سابقه طولانی دارد، الان ماهیت و چارچوب این ماجرا با چهارپنج سال قبل فرق میکند. از یک طرف ادعای خود آمریکا و غرب به نظرم مثل پنج، شش سال قبل، مثل دوره جرج بوش و دوره "ادعای نظم نوینشان" نیست. خود آمریکا و غرب به این قناعت رسیده اند، که جمهوری اسلامی را به عنوان یک "عصر بی درد سر" در سیستم بین المللی شان جایی برایش باز کنند. از این سر تحریم اقتصادی و حتی تهدید نظامی و فضای جنگی ایجاد میکنند. یک جمهوری اسلامی رام شده که بگوید "موازیبتان" را رعایت میکنم را میخواهند و آن وقت برگردد به جرگه جامعه جهانی. از طرف دیگر جمهوری اسلامی هم بر خلاف لاف زنیهایش به این قناعت رسیده که یک چار چوب

بازی را رعایت کند. اما خود جمهوری اسلامی و هیئت حاکمه اش هم برای این ماجرا، برای پذیرفته شدن در جرگه جامعه جهانی، میخواهد شرط و شروطهای خودش را داشته باشد. سبک وارد این ماجرا نشود. امتیاز بگیرد. ترفندها و مانورهای مختلفش در این جهت است. میخوانند نشان دهند، در سطح منطقه میتوانند مزاحمت درست کنند. برخلاف ظاهر تعرضی، این کارها یک اهرم دفاعی است. با این کارها "صلح طلبانه شان" و لحن آرامترشان می خوانند بگویند ما را هم در جایگاه معینی در جهان قبول کنید. به نظرم از دو طرف معادله، هم از طرف آمریکا و غرب و هم از طرف جمهوری اسلامی به این قناعت رسیده اند به یک نقطه سازش برسند ولی هر کدام دنبال امتیازات خودشان هستند. جمهوری اسلامی هم صرف نظر از هارت و پورتهایش سر بوشهر، ماهواره، موشک به هوا پرتاب کردن، نهایتا این چراغ سبز را نشان می دهد، که میتواند بسازد به شرطی که یک چیزهایی را از او قبول کنند.

**راديو پرتو:** محاصره اقتصادی که اعمال شده ظاهرا مانع درست کردن تاسیسات اتمی بوشهر نشده، مانع پیشرفتهای نظامی و پروژه های مورد علاقه جمهوری اسلامی نشده، ولی محاصره اقتصادی بر زندگی مردم تاثیر گذاشته و به راحتی قابل مشاهده است. در این مورد شما چه فکر می کنید؟

**رحمان حسین زاده:** ما همیشه گفتیم و همین موردی که شما اشاره می کنید، این را اثبات می کند که محاصره اقتصادی که از جانب کشورهای غربی اعمال شده هم در مورد ایران و هم قبل تر در مورد عراق ویا جاهای دیگر مثل صربستان، همیشه و مستقیما علیه زندگی مردم بوده است. اتفاقا دولتها و سیستمهای سر کار، به عنوان دولت، به عنوان موسسه دولتی، به عنوان دم و دستگاهشان کمترین ضرر را از آن دیده اند. خیلی روشن است آن دولتی که سر کار است، فشار اقتصادی را سر مردم سرشکن می کند. از جیب مردم می گیرد و بهانه به دستش می افتد و میگوید مورد تحریم قرار گرفتیم، تبلیغات ناسیونالیستی راه میداند. در نتیجه خطاب به کارگر، خطاب به خاطر اینکه به قول آنها "عواقب تحریم را پس بزنیم باید از سفره شما بگیریم، دستمزدهایتان پایین باشد، بیشتر کار کنید. همت باید داشته باشید، اضافه کاری باید داشته باشید" و کلی امتیازات دیگر را از کارگران و مردم میگیرند.

خوبی از امکاناتی که قبلا به رسمیت شناخته شده بوده برای کارگران پس میگیرند. میگویند "وره اینها نیست، دوره ای است که کشورهای خارجی اوضاع بدی را به ما تحمیل کردند". میخواهم این را بگویم دولت جمهوری اسلامی پیامدهای این تحریم، را مستقیما علیه کارگران و علیه مردم ترجمه می کند. از طرف دیگر آن جامعه انقدر امکانات دارد و آن دولت انقدر امکانات از کرده مردم می تواند بکشد، که سپاه پاسداران و ارتش و نیروی سرکوبگرش را مجهزتر کند. سیستم موشکی راه بیندازد، موشک پرتاب کند، بوشهرش را راه بیندازد، و همه اینها در خدمت حفظ نظام اسلامی و در خدمت حفظ یک سیستم ضد انسانی تمام عیار است. این امکاناتی که درست می شود یک سر سوزنی به نفع توده مردم و به نفع زندگی مردم نیست. مجهز بودن سپاه پاسداران چه دردی از مردم نوا می کند. سپاه پاسداران اصلی ترین اهرم سرکوب مردم و اهرم تحمیل یک حاکمیت سپاه است. سپاه پاسداران را از جمهوری اسلامی بگیری آن مردم در یک شبته روز به حاکمیت سپاه جمهوری اسلامی پایان میدهند.

**راديو پرتو:** این تحولات و به اصطلاح پیشرفتهای جمهوری اسلامی و این نمایشاتش در کشمکش با مردم چه معنی می تواند داشته باشد و عکس العمل مردم به این اقدامات و ترفندها چگونه باید باشد؟

**رحمان حسین زاده:** این نمایشات و مانورهای جمهوری اسلامی مستقیما فشاری است بر جامعه و اعتراض جامعه. ما حزب حکمتیست همیشه تاکید کرده ایم، که اتفاقا چه تهدید نظامی آمریکا و غرب و چه تحریمهای اقتصادی و غیره دیگر نخلتهایشان در مسائل مربوط به جامعه ایران، بر عکس ادعای خود کشورهای غربی و ایوپزیسیون طرفدار آنها، اتفاقا هیئت حاکمه ایران را تقویت میکند. معنایش این است که به بهانه همین تحریم اقتصادی، سازمان دادن تعرض وسیعتر به معیشت طبقه کارگر و مردم در آن جامعه، از اینکه دستمزدشان را شش ماه به شش ماه و یک سال به یک سال نمی پردازند، از اینکه دستمزد را پایین میاورند و تورم بالا میروند، از اینکه خیلی از امکانات و بیمه های اجتماعی را نمی پردازند، همه اینها با این توجیه میشود، که تحت فشار خارجی هستیم و صبر کنید و در راه "ملت و امت و خلک کشور" فداکاری کنید. به لحاظ سیاسی هم ترجمه اش می کنند به سرکوب بیشتر به زندان کردن بیشتر و بازداشتهای بیشتر. هر کس که اعتراض کند، فوری مهر حمایت از

## کنگره چهارم حزب حکمتیست

روزهای ۲۵ و ۲۶ سپتامبر بطور

علنی برگزار میشود.

شرکت در کنگره برای عموم

آزاد است

برای شرکت در کنگره و ثبت

نام و کسب اطلاعات بیشتر،

میتوانید به دبیرخانه حزب و

تشکیلاتهای حزب حکمتیست در

کشورهای مختلف مراجعه کنید.

برای دسترسی به نشریه کنگره

به سایت حزب حکمتیست

مراجعه کنید.

www.hekmatist.com

مرگ بر جمهوری اسلامی!

## کامران دانشجو و ...

استاد و کارکنان دانشگاه آن را با خلک یکسان می‌کنند. این خط و نشان کشیدنها و تقابل با دانشگاه و علم در جمهوری اسلامی تازگی ندارد. از ابتدای بقدرت رسیدن فاشیسم اسلامی با تاسیس شورای انقلاب فرهنگی کمر به اسلامی کردن دانشگاه بستند. بد نیست بعد از ۳۱ سال سخنان نمایندگان فاشیسم اسلامی را با هم مقایسه کنید تا بدانید که تفاوتی ماهوی در این دو وجود ندارد. عبدالکریم سروش در خرداد ۱۳۵۸ در معرفی "شورای انقلاب فرهنگی" اینچنین گفت: "دانشگاه‌ها میباید سرآیا عطر و بوی اندیشه اسلامی را به خود بگیرند و این گلستان، گلستان معطری باشد که هر گاه کسی و جوینده‌ای وارد آن بشود ابتدا مشامش به این بوی دلنواز عطرآگین شه". بوی تعفن اسلامی و پاشاندن تخم کینه علیه هر گونه رادیکالیسم و فضای باز سیاسی که در اوایل انقلاب ۵۷ به یمن حضور چپ و در نتیجه دستاوردهای قیام ایجاد شده بود، که با بکار بردن عربده کشان حزب الهی و "دانشجویان پیرو خط امام" یعنی (دقتر تحکیم وحدت) کنونی و قلع و قمع کردن دانشجویان چپ و آزادیخواه و پاکسازی و اخراج استادین دانشگاهها پرداختند و برای دوره ای سلیقه شوم خود را بر مراکز علمی ایران گسترانند.

سرکوبهای وحشیانه دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب در آذر ۱۳۸۶ پیش درآمد تعرضی همه جانبه تر و سازمانیافته تر به دانشگاههای ایران بود. جنبشی که مانع از تبدیل شدن دانشگاه به قبرستان و پادگان بود امروز در نتیجه زندانی و شکنجه کردن و یا فراری دادن رهبران و عناصر موثر آن غیبتش به عینه مشهود است. در غیاب اینچنین جریانی بدون تردید کسانی از درون استادین دانشگاه پیدا میشوند که با آوانس دادن به کامران دانشجو در تلاشند او را تا حدودی از این طرح منصرف کنند. این انصراف نه با عجز و لایه جمعی از دانشگاهیان بلکه با حضور قدرتمند یک جریان رادیکال با همان اهداف تمامیت خواهانه "دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب" ممکن خواهد بود. کامران دانشجو را تنها این جنبش افسار خواهد کرد. سازمانیابی مجدد "داب" یا با هر نوع شکل و ساختار دیگری راه حل موثر در مقابله کردن جدی دانشگاههای ایران با وزیر فاشیست اسلامی و سایر طرحهای ضد علمی و دولت اسلامی میباشد.

## لایحه "حمایت" از ...

ست. از فراکسیون دولت احمدی نژاد و مجلس و کمیسیون قضایی و بخش روحانیت تا مفسرین دینی و دانشگاهی و طیف جنبش سبز نظرات متفاوتی در مورد آن دارند. بخشی از موافقین مثلاً در مورد ماده حق ازدواج مجدد میگویند که خواند این حق را به مردان عطا کرده و ما محق نیستیم که این هدیه خدا را از آنها بگیریم. میگویند که ازدواج موقت و چند همسری جلو رشد فحشا را میگیرد و گویا با داشتن همسران بیشتر و فرجه داشتن صیغه، مردان از شهوت رانی و عمل غیر شرعی محفوظ میمانند. بخشی از مخالفین از این طیف، از سر منفعت جمهوری اسلامی نگران گسترش اعتراضات مردم بویژه زنان علیه این لایحه و کل قانون اساسی بوده که طی دو دهه از مبارزات و بالا رفتن آگاهی زنان از حقوق شان دیگر هر ذلت و تحقیری را نمی‌پذیرند.

بخشی از نمایندگان زن در مجلس، روزنامه نگاران، "اتلاف اسلامی زنان" تا زنان کمپین یک میلیون امضا و همگرایی جنبش سبز، هم از دیگر طیفهای مخالفین این لایحه هستند. آنها خواهان بازگشت لایحه خانواده تصویب شده از سال ۱۳۵۳ به قانون اساسی هستند که از نظر آنها "مترقی" بوده است. بخشی از این تشکلهای زنان از روش "رایزنی" با نمایندگان مجلس و با بیدار با علمای دینی و دست اندرکاران در کار قانون گذاری استفاده کرده تا بلکه این آقایان دلشان به رحم آمده و جلو تصویب آن را بگیرند. از این میان زنان اتلاف اسلامی هستند که تمام امیانشان به رحم و مروت بالایی هاست و یا بخشی از زنان ملی-مذهبی که از خشم به خود میپیچند و میپرسند که این چه مملکتیه که اجازه نداریم در "تصویب یا رد یک قانون که به حقوق ما مربوط است نقش داشته باشیم؟" برخی از همین فعالین زن معتقدند که با

تصویب این لایحه "بی بنو باری در میان مردان" بالا میگیرد و "اعتماد و سرمایه فرهنگی در خانواده ها از دست میرود!"

چند همسری در کشورهای اسلامزده از جمله ایران بحثی تازه نیست. قانون اساسی این کشورها بر گرفته از قوانین اسلامیست که زن در آن ملک و ناموس مرد محسوب میگردد. جریانات اسلامی در تاریخ یک و نیم هزاره خود هر کجا که قدرت گرفته اند بصراحت ضدیت خود را با حقوق زنان در خانواده و جامعه نشان داده اند. جمهوری اسلامی در این سه دهه از طریق گله های ملا و آیت الله ها از بلندگوهای مساجد و یا مبلغین دانشگاهی و حوزه علمیه قم در مدارس و دانشگاهها به شستشوی مغزی جامعه بر علیه زنان پرداخته اند. در این سه ساله اخیر هم دولت بر متن یک حمله وسیع به جنبش کارگری، جنبش زنان و مبارزات دانشجویی، و با دستگیری رهبران و فعالین این جنبشها، بستن تشکلهای، براه انداختن سنگسار و اعدام، تحمیل حجاب و آپارتاید جنسی بر جوانان در صدد تحمیل یک عقب گرد دیگر و بازگرداندن موقعیت زنان به عصر جاهلیت افتاده است.

اما زنان و مردان جامعه ما اجازه نخواهند داد در جهانی که فراراست رهایی زن شاخص رهایی جامعه باشد چنین بی حرمتانه و غیر انسانی به دست مشت مرتجع و تجاوزگر به نام قانون گذار و حاکم، به بازی گرفته شوند. جنبش زنان در این دو دهه رشد چشمگیری داشته و تحمیل جهالت و خرافه های آیین اسلامی به آن دیگر امکان پذیر نیست. همچنین تجربه یک دهه از وعده و فریبکاری اصلاح طلبان از دوره ختمی تا جنبش سبز نشان داده که تحقق آزادی و برابری کامل از کتال "اصلاحات" مدل زنان ملی مذهبی و طیف درون و برون حکومتی و با "رایزنی" و صدقه خواهی از حاکمیت توهمی کشنده است.

ماتن در فاز "مبارزه در چهارچوب قانون اساسی" و اصلاحات از بالا یک فریب بزرگ این "اوستان" دورغین زنانه که با خلک پاشیدن به چشم زنان مسیر رهایی و اتحاد با جنبش های برحق اجتماعی مانند جنبش کارگری را مسدود میسازند. نباید بگذاریم که نیروی تشنه آزادی و برابری که همواره در صفوف جنبش آزادیخواهی و برابری طلبی پیکار کرده، طعمه کسانی گردد که در دالانهای مجلس و پشت میز این نماینده و زیر عیای آن آیت الله، به انتظار "حقوق" زنان نشسته اند. جنبش زنان باید نیروی میلیونی زنان کارگر، خانه دار، کارمند و میلیونها زن جوانی که سالها در جنبش خلاصی فرهنگی ضدیتشان را با همه این قوانین نشان داده اند، به دور خواستهای آزادیخواهانه و برابری طلبانه متشکل کند. مسلمان این جنبش در این راه دشوارتنها نیست چرا که رهایی جامعه یعنی رهایی زنان و مردان، یعنی آزادی انسان از یوغ هر چه بی حقوقی و تحقیر و نابرابری.

"ما خواهان لغو کلیه قوانین و مقررات عقب مانده و ارتجاعی که به رابطه جنسی زن و مرد مربوط بوده، هستیم. هر گونه معامله گری در ازدواج نظیر تعیین شیریه، جهیزیه، مهریه و غیره بعنوان شروط ازدواج، تعدد زوجات و صیغه ممنوع باید گردد. حق هر زوج بالای ۱۶ سال به زندگی مشترک به میل و انتخاب خود است. هر نوع اجبار و اعمال فشار از جانب هر فرد و مرجعی بر افراد در امر انتخاب همسر، زندگی مشترک (ازواج) و جدایی (طلاق) مردود است. حق بی قید و شرط جدایی (طلاق) برای زن و مرد حق مسلم آنهاست. زن و مرد در امور مربوط به تکفل و سرپرستی فرزندان پس از جدایی باید از حقوق برابر برخوردار باشند". (برگرفته از "برنامه یک دنیای بهتر" - حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست)

## آزادی و برابری

جامعه باید آزادی انسان را تضمین کند. آزادی به معنی آزادی سرکوب و اختناق سیاسی، آزادی از اجبار و انقیاد اقتصادی، آزادی از اسارت فکری، آزادی در تجربه ابعاد مختلف زندگی انسانی، آزادی در شکوفائی خلاقیت های بشری و آزادی در تجربه ابعاد عظیم عواطف انسانی.

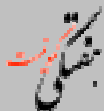
جامعه باید تضمین کننده برابری انسانها باشد. برابری نه فقط به معنی برابری در مقابل قانون بلکه برابری در برخورداری از امکانات و نعمات مادی و معنوی جامعه. برابری در حرمت و ارزش همه انسانها در پیشگاه جامعه.

از مقدمه بیله حقوق بهاشمول انسان - مصوب حزب حکمتیست

## نشریه حزب کمونیست کارگری حکمتیست

سردبیر: خالد حاج محمدی

www.hekmatist.com



## کمونیست را بخوانید

کمونیست را بدست کارگران برسانید

کمونیست را تکثیر و توزیع کنید

به کمونیست کمک مالی کنید

## زنده باد سوسیالیسم